

فصلنامه علمی - تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی - تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعه الزهراء (ع)

دوره دوم * شماره ششم * زمستان ۱۴۰۲



نقد مقاله مریم (ع) از دایرةالمعارف لیدن

شهزاد حسین آبادی^۱

علی قانع اردکانی^۲

چکیده

در اندیشه شیعی، امامت جایگاهی رفیع و منحصر به فرد دارد، به گونه‌ای که امام به مثابه محور و قطب عالم هستی در نظام توحیدی تلقی می‌شود. از طریق واسطه امام، مخلوقات مشمول رحمت الاهی شده و به سوی حق هدایت می‌یابند. با عنایت به اهمیت و جایگاه والای امامت در اسلام، و وجود دیدگاه‌های گوناگون در تبیین مفهوم آن، این پژوهش با هدف پاسخ به این پرسش تدوین شده است که: شیخ طوسی و علامه طباطبایی چه تعریفی از «امامت» ارائه می‌کنند؟ روش تحقیق در این پژوهش تحلیلی-توصیفی بوده و یافته‌ها حاکی از آن است که: شیخ طوسی، امامت را زعامت و رهبری عمومی در امور دین و دنیا می‌داند. علامه طباطبایی، امامت را ایصال به مطلوب و هدایت تام و تمام معنا می‌کند. بر اساس دیدگاه هر دو اندیشمند، با استناد به آیه ۱۲۴ سوره بقره، امام دارای منزلتی فراتر از نبی است.

واژگان کلیدی

مریم (ع)، دایرةالمعارف قرآن لیدن، عیسی (ع)، باربارا استواسر، مستشرقان.

Email:Shahrzadhosseinabadi50@Gmail.com	۱. دانش پژوه سطح ۴، تفسیر و علوم قرآن، جامعه الزهراء (ع) (نویسنده مسئول)
Orcid: 0009-0006-3426-2430	۲. دکترای تفسیر و علوم قرآن، دبیر آموزش گروه علمی تفسیر، جامعه الزهراء (ع)
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۸	تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵
استناددهی: حسین آبادی، شهزاد؛ قانع اردکانی، علی (۱۴۰۲). «نقد مقاله مریم (ع) از دایرةالمعارف لیدن»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۲، ش ۶، صفحات ۱۰۹-۱۲۵.	

مقدمه

بر اساس آموزه‌های دین اسلام، حضرت مریم علیها السلام از معدود زنانی است که به مقامی والا دست یافته است. در قرآن کریم، ایشان تنها زنی است که در بیش از ده سوره به نام او اشاره شده است. در این آیات، بارها از شخصیت والای ایشان سخن گفته شده و بر پاکدامنی، عفت، حیا، ایمان و فضایل برجسته اخلاقی اش تأکید شده است. به عنوان نمونه، در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره تحریم **﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِّلَّذِينَ آمَنُوا ... وَمَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِن الْقَانِنِينَ﴾**، حضرت مریم علیها السلام به عنوان نمونه‌ای برای تمامی مؤمنان معرفی شده و پاکدامنی و طهارت ایشان مورد تأکید قرار گرفته است. حضرت مریم علیها السلام، دختر عمران و از نسل حضرت داوود علیه السلام است.

بر اساس مفاد آیه شریفه **﴿إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَدَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ﴾** (آل عمران: ۳۵)، مادرش «حَنَّة» (طبری، ۱۳۷۵: ۵۰۱/۲) نذر کرد که فرزندی را که در شکم دارد خدمتگزار بیت المقدس گرداند. حضرت مریم علیها السلام از ابتدای تولد تحت سرپرستی پیامبر زمان خود، حضرت زکریا قرار گرفت.

مدخل «مریم» از جمله آثار قرآنی مستشرقان در دائرةالمعارف لیدن است که توسط خانم «باربارا استوار» به نگارش در آمده است. از آنجا که شخصیت حضرت مریم علیها السلام نمونه‌ای از بانوان برجسته و الگوی مناسبی برای مومنان در دین مسیحیت و اسلام است و با توجه به اینکه دائرةالمعارف‌ها از منابع مورد رجوع اشخاص مختلف می‌باشند، مقاله حاضر به شیوه توصیفی - تحلیلی و به منظور شناخت صحت و سقم اطلاعات داده شده و نقد بخشی از آن‌ها، نگاشته شده است.

پیشینه

در رابطه با دیدگاه مستشرقان نسبت به حضرت مریم علیها السلام، آثار اندکی وجود دارد؛ از جمله: مقاله «برخی شباهت‌های نادیده گرفته شده عیسی علیه السلام و مریم علیها السلام در قرآن» نویسنده نیل راینسون؛ سارا غیاثوند؛ نشریه احسن الحدیث، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۷ (صفحات ۷۸ تا ۹۹)؛ ولی از ناحیه محققان مسلمان به‌ویژه پژوهشگران فارسی‌نگار، آثار متعددی در خصوص شخصیت آن



حضرت به نگارش درآمده است. به عنوان نمونه می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. کتاب «سیمای حضرت مریم از دیدگاه قرآن»، تألیف بتول قدیانی، در سال ۱۳۸۲، توسط انتشارات قدیانی به چاپ رسیده است.
 ۲. پایان نامه «آموزه های تربیتی حضرت مریم علیها السلام در قرآن» نوشته افسانه خیری آوروند، در سال ۱۳۹۲، در حوزه علمیه خواهران قم، جامعه الزهراء علیها السلام، با راهنمایی دکتر محمدحسین زنجیری دفاع شده است.
 ۳. مقاله «بازنگری در نبوت زنان؛ مطالعه موردی حضرت مریم علیها السلام در قرآن»، نوشته اعظم پویازاده، در مجله علمی-پژوهشی «پژوهشنامه زنان»، دوره ۱۲، شماره ۳۷، مهر ۱۴۰۰، صفحات ۲۵ تا ۵۱ چاپ شده است.
 ۴. مقاله «تحلیل انتقادی دیدگاه خاورشناسان درباره تعبیر قرآنی «اخت هارون» و «بنت عمران»، تألیف اعظم سادات شبانی و فروغ پارسا، در فصلنامه مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۷، شماره ۱، فروردین ۱۴۰۲ ش، صفحه ۹۷-۷۳ چاپ شده است.
- در هیچ یک از آثار و منابع مذکور، بررسی مدخل دائرةالمعارف قرآن درباره حضرت مریم علیها السلام و تحلیل نگاه مستشرقان در این زمینه صورت نگرفته است. مقاله حاضر با هدف تبیین، نقد و تحلیل این مدخل نگاشته شده و از این جهت دارای نوآوری و بداعت علمی است. پیش از پرداختن به بررسی این مدخل، ابتدا به معرفی شخصیت نویسنده آن خواهیم پرداخت.

۱. زیست شناخت باربارا استواسر

خانم باربارا استواسر، استاد زبان عربی در دانشکده ادبیات عرب دانشگاه جرج تاون در ایالات متحده است. او در سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۹ مدیریت مرکز مطالعات معاصر عربی در همین دانشگاه را بر عهده داشت و همچنین در دو دوره، در سال های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۸، ریاست انجمن مطالعات خاورمیانه را عهده دار بود. علاوه بر عضویت در انجمن های متعدد در حوزه های مطالعات اسلامی، زنان و خاورمیانه، او از جمله سردبیران دو مجله معتبر خاورشناسی به نام های جهان اسلام و مجله خاورمیانه است.

خانم استواسر تحصیلات خود را تحت نظر اساتیدی چون نجاتی لوغال در آنکارا، هلموت

ریتر در فرانکفورت، فون گروناوم در دانشگاه کالیفرنیا و هانس ور در دانشگاه مونستر آلمان گذرانده است. او مدرک کارشناسی ارشد خود را در رشته مطالعات خاورمیانه از دانشگاه کالیفرنیا و دکترای خود را در مطالعات تطبیقی اسلامی و زبان‌های سامی از دانشگاه مونستر دریافت کرده است. افزون بر این کتاب، مقالات متعددی از او در مجلات معتبر آمریکایی، آلمانی، عربی و ترکی منتشر شده است (خبرنامه دین پژوهان: ۱۳۸۱: ش ۱۰).

۲. معرفی حضرت مریم علیها السلام

قرآن کریم، حضرت مریم علیها السلام را به‌عنوان بانویی برگزیده، پاک و مطهر، برترین زن زمانه خود، مظهر عفاف، الگوی مؤمنان، دختری عابد، بسیار راستگو (صدّیقه) و هم‌سخن با فرشتگان (محدّثه) معرفی کرده است. آیاتی از قرآن کریم به‌روشنی جایگاه والای مریم علیها السلام را در اندیشه اسلامی به تصویر می‌کشند: ﴿وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، يَا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و (به یاد آور) زمانی را که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهانیان برتری داده است. ای مریم! (به شکرانه این نعمت) برای پروردگارت خضوع کن و سجده و رکوع به‌جا آور و با رکوع کنندگان رکوع کن﴾ (آل عمران: ۴۲-۴۳).

حضرت مریم علیها السلام علاقه وافری به عبادت پروردگار داشت. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «مریم علیها السلام دو روز روزه می‌گرفت و یک روز افطار می‌کرد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۹۴/۱۰۵-۱۰۴).

از نگاه قرآن، مریم علیها السلام به سبب عفاف و پاکدامنی در برابر گناهان، به نماد پاکدامنی تبدیل شد و شایستگی آن را یافت که مادر مسیح علیه السلام موعود باشد و الگوی مؤمنان گردد: ﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا... وَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَ صَدَقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَ كُنِّيهِ وَ كَانَتْ مِنَ الْقَائِمِينَ؛ و خداوند برای مؤمنان... مریم دختر عمران را مثال زد؛ همان که دامان خود را پاک نگه داشت، و ما از روح خود در آن دمیدیم. او کلمات پروردگارش و کتاب‌های او را تصدیق کرد و از مطیعان فرمان خدا بود﴾ (تحریم: ۱۱-۱۲).

شاید برای آنکه مریم علیها السلام از صلاحیت مادر مسیح شدن برخوردار شود، لازم بود از آزمایش سخت خود نگهداری جنسی پیروزمندانه فارغ شود. تنها پس از ظهور جبرئیل امین به صورت مردی خوش سیما در مکانی خلوت و به دور از چشم دیگران در اوج جوانی مریم علیها السلام و موفقیت وی در این آزمایش سخت بود که وی برای پذیرش روح خدا انتخاب شد. قرآن کریم در اشاره به این مسئله می‌فرماید: خدای متعال در خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: ﴿وَادْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَبَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْفِيًّا، فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا، قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا، قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا، قَالَتْ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ وَلَمْ أَكُ بَغِيًّا، قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَىٰ هَيْنٍ وَ لِنَجْعَلَهُ آيَةً لِلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِنَّا وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا؛ و مریم را در این کتاب یاد کن، آن هنگام که از خانواده‌اش در ناحیه شرقی (بیت المقدس) کناره گرفت؛ و میان خود و آنان حجابی افکند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام، ما روح (و فرشته مقرب) خود را به سوی او فرستادیم؛ و او در شکل انسانی بی عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد (مریم سخت ترسید و) گفت: اگر خدا ترس هستی، من از تو، به خدای رحمان پناه می‌برم. گفت: من تنها فرستاده پروردگار توام؛ (آمده‌ام) تا پسر پاکیزه‌ای به تو ببخشم. گفت: چگونه ممکن است پسری برای من باشد؟! در حالی که تاکنون انسانی با من تماس نداشته، و زن آلوده‌ای نبوده‌ام! گفت: این‌گونه پروردگارت فرموده: این کار بر من آسان است (ما او را می‌آفرینیم) تا او را برای مردم نشانه‌ای قرار دهیم؛ و رحمتی باشد از سوی ما؛ و این امری است پایان یافته (و گفت و گو ندارد) ﴿(مریم: ۱۶ - ۲۱).

از آیات قرآن کریم می‌توان دریافت که سخن گفتن مریم علیها السلام با فرشتگان خداوند در چندین مورد حاصل شده است. در یکی از این ملاقات‌ها بود که بشارت تولد عیسی صلی الله علیه و آله به مریم علیها السلام داده شد. به نظر می‌رسد که ملاقات مریم علیها السلام با فرشته الهی و بارداری آن حضرت، مدتی پس از بشارت اولیه به تولد عیسی صلی الله علیه و آله بوده باشد. بنابراین، پس از ملاقات با فرشته که به شکل انسانی خوش سیما بر وی ظاهر شد و رد و بدل شدن آن سخنان، مریم علیها السلام اطمینان یافت که این همان بشارتی است که فرشتگان در دیدارهای گذشته به او داده بودند: ﴿إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ

مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ، وَ يَكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَ كَهْلًا وَ مِنَ الصَّالِحِينَ ، قَالَتْ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرًا قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ زمانی که فرشتگان گفتند: ای مریم خدای تعالی بشارتت می دهد به کلمه ای از خودش که نامش مسیح؛ عیسی بن مریم، آبرومندی در دنیا و آخرت و از مقربین است. و با مردم در گهواره و در پیری سخن می گوید و از صالحان است. مریم گفت: پروردگارا از کجا برای من فرزندی خواهد شد با اینکه هیچ بشری با من تماس نگرفته است، فرشته گفت: این چنین خدایی هر چه بخواهد خلق می کند، او وقتی قضای امری را براند، همانا فرمان می دهد که «باش»، و آن امر وجود می یابد ﴿آل عمران: ۴۵-۴۷﴾.

خداوند به دفاع از پاکی و پیراستگی مریم علیها السلام در مقابل اتهام یهودیان نسبت به وی، سخت غضبناک شده و یهودیان را به کفر گویی و افترا متهم کرده است: ﴿... بَلْ طَعَّ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا ، وَ يَكْفُرُهُمْ وَ قَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا؛ بلکه خداوند به خاطر کفرشان بر دل هایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک (از ایشان) ایمان نمی آورند، و (نیز) به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند﴾ (نساء: ۱۵۵-۱۵۶).

قرآن کریم در مورد ولادت حضرت مریم علیها السلام می فرماید: ﴿اذ قَالَتْ امْرَأَةٌ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ یاد کن زمانی را که زن عمران گفت: پروردگارا! بدرستی که من نذر کردم برای تو که این طفلی که در شکم دارم مُحَرَّر (خادم بیت المقدس) باشد پس از من قبول فرما. محققا تو سمعی و عالمی به آنچه نذر کردم و قرارداد نمودم﴾ (آل عمران: ۳۵).

محَرَّر به معنای «آزاد» به این نکته اشاره دارد که فرد هیچ شغلی نداشته و به طور کامل به عبادت در مسجد، که همان بیت المقدس است، اختصاص یابد و مسئولیت نظافت مسجد را نیز بر عهده داشته باشد. با توجه به این که حضرت مریم علیها السلام وقف خدمت در معبد شده بود و جز برای امور ضروری، مانند وضع حمل حضرت عیسی علیها السلام، از معبد خارج نمی شد، داستان ازدواج ایشان با یوسف نجار فاقد اعتبار است (طیب، ۱۳۴۸: ۱۷۸/۳).

به نظر می رسد اتهام ارتباط حضرت مریم علیها السلام با یک سرباز رومی و انتساب لقب «عیسی بن

پانتر) (آشتیانی، ۱۳۹۰: ۱/۱۴۴)، که از سوی غیرمسیحیان مطرح شده است، بیشتر در فضایی مسیحی شکل گرفته تا در فضای اسلامی.

منابع اسلامی نشان می‌دهند که حضرت مریم علیها السلام در زمان حیات فرزند خود از دنیا رفت و حضرت عیسی علیه السلام خود، مراسم غسل او را بر عهده گرفت (کلینی، ۱۴۰۷: ۱/۴۵۹؛ طوسی، ۱۳۶۴: ۱/۴۴۰؛ همان، ۱۳۶۳: ۱/۲۰۱). از این رو، داستان حضور حضرت مریم علیها السلام در مراسم به صلیب کشیده شدن فرزندش نمی‌تواند واقعیت داشته باشد.

در اعتقادات شیعیان، حضرت مریم علیها السلام یکی از چهار زن برگزیده در تمام تاریخ بشریت است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی که از راویان بسیاری نقل شده است، فرمود: «زنان برگزیده بهشت چهار نفرند: خدیجه علیها السلام دختر خویلد (همسر پیامبر)، فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله، مریم علیها السلام دختر عمران، و آسیه علیها السلام دختر مزاحم (همسر فرعون)» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۳/۱۶؛ زیبایی نژاد، ۱۳۹۷: ۳۶-۴۰).

۳. نقاط قوت و ضعف مقاله «مریم» خانم باربارا استواسر

برای رعایت انصاف در ارزیابی مقاله «مریم» از خانم باربارا استواسر، شایسته است ابتدا نقاط قوت مدخل مریم به تفصیل بیان شود و سپس با دلایل عقلی، نقلی و تاریخی به بررسی انتقادی نقاط ضعف آن پرداخته شود.

الف) نقاط قوت

وجود مدخلی جامع و مفصل برای موضوع حضرت مریم علیها السلام در دایرةالمعارف قرآن لیدن، که به‌طور شایسته‌ای به ارائه اطلاعات پرداخته است، بسیار قابل تحسین است. این مدخل در مجموع از امتیازات زیر برخوردار است:

استناد مستمر به آیات قرآن و استفاده از آنها به‌عنوان شواهد؛

توجه به اصل عصمت حضرت مریم علیها السلام؛

مقایسه تولد حضرت عیسی علیه السلام با آفرینش حضرت آدم علیه السلام؛

رد دیدگاه تثلیث توسط نویسنده مقاله؛

اشاره به این نکته مهم که هدف همه آیات مرتبط با حضرت مریم، تأیید یگانگی خداوند است؛ تتبع گسترده و ارزشمند در منابع تفسیری اهل سنت، چه از متقدمین و چه از معاصرین؛ این نکات مثبت، نشان‌دهنده دقت و عمق تحقیق نویسنده در بررسی این موضوع قرآنی است.

(ب) نقاط ضعف

در بیان کلی می‌توان گفت: از مهم‌ترین اشکالات این مدخل، نسبت دادن مطالب نادرست و جعلی به ساحت مقدس حضرت مریم علیها السلام و انحصار منابع مورد استفاده نگارنده مقاله به منابع اهل سنت و عدم مراجعه به منابع شیعه است. در ادامه این نوشتار، به صورت جزئی و تفصیلی به برخی از ایرادات وارد بر مقاله «مریم» اثر خانم باربارا استواسر پرداخته می‌شود:

نقد اول: گزارش نادرست نویسنده از تفسیر طبری درباره حضرت زکریا علیه السلام

نویسنده در مقاله خود آورده است: «مریم در محراب زندگی می‌کرد، حجره‌ای دورافتاده یا اتاقی در طبقه بالا که درب آن همیشه قفل بود و فقط زکریا کلیدش را داشت؛ زکریا مریم را در آن اتاق حبس می‌کرد» (جین دمن مک الیف، ۱۳۹۲: ۱۰۲/۵-۱۰۷).

با توجه به اینکه خانم باربارا در این مقاله به مطالبی از کتاب «قصص الانبیاء» و «تفسیر طبری» اشاره کرده است، برای رد این ادعا لازم است که به داستان مورد اشاره در تفسیر طبری پرداخته شود.

طبری در تفسیر خود آورده است: «پس خداوند عز و جلّ مریم را به جای پسر پذیرفت و زکریا را آگاه کرد که من او را پذیرفتم، چنان‌که فرمود: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا» (آل عمران: ۳۷). آن عباد و زهاد گفتند: ما مریم را برای خود برمی‌داریم و میان خود نزاع کردند.

پس گفتند: قرعه بزنیم، هر که قرعه به نام او افتاد، مریم را به او بسپاریم. پس قرعه زدند و به نام زکریا افتاد. زکریا مریم را برداشت و گفت که: این حق من است که قرعه به نام من درآمد، و نیز خواهر مادر او همسر من است. در قرآن آمده است: «وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَامَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ، وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ» (طبری، ۱۳۵۶: ۱/۲۰۶). سپس او را به زکریا سپردند. زکریا او را نگه داشت تا پنج ساله شد و حجره‌ای برای مریم آماده کرد و او را به آن حجره

برد و توریة به او آموخت».

با توجه به این روایت، روشن است که هیچ اشاره‌ای به زندانی کردن مریم توسط زکریا در تفسیر طبری وجود ندارد (طبری، ۱۳۵۶: ۱/۲۰۷).

نقد دوم: ذکر مطالب بدون مستندات قرآنی و روایی (ادعای همراهی یوسف نجار با مریم) نویسنده مقاله از افرادی نام برده که به ادعای او با حضرت مریم در معبد خدمت می‌کردند؛ از جمله: «یوسف نجار که پسر دایی یا پسر خاله آن حضرت بود» (جین دمن مک الیف، ۱۳۹۲: ۵/۱۰۲-۱۰۷). اما در قرآن به چنین شخصی اشاره نشده و این ادعا بدون دلیل است. در برخی از منابع اسلامی نیز به حدود و نحوه ارتباط یوسف نجار با حضرت مریم علیها السلام پرداخته شده است که صرف‌نظر از درستی آن، به دو مورد از این گزارش‌ها اشاره خواهد شد.

۱. وهب بن منبه می‌گوید: «وقتی که ولادت حضرت عیسی علیه السلام نزدیک شد، مریم علیها السلام از بیت المقدس خارج شد، در زیر پای درخت خرمائی رفت و از سردی هوا سخت می‌لرزید (و از شدت درد بخود می‌پیچید) که یوسف نجار برای او هیزم و چوب آورد و اطراف او به شکل اتاق کوچکی قرار داد و برای او آتش روشن کرد تا گرم شود، و برایش هفت دانه گردو شکست و مریم آن‌ها را خورد به این جهت است که ارمنی‌ها در شب میلاد مسیح آتش روشن می‌نمایند و با گردو بازی می‌کنند (صدوق، ۱۳۸۵: ۱/۷۹).

به دلیل این که روایت فوق از منقولات «وهب ابن منبه» است و علامه مجلسی هم در دیگر موارد، نظر منفی خود را راجع به وهب و مرویات او آورده؛ در اینجا دیگر تکرار نکرده است. همچنین در آیات مربوطه، از این سرما و حفاظت مریم علیها السلام توسط فردی به نام «یوسف نجار» هیچ سخنی به میان نیامده. گذشته از همه این موارد، محتوای روایت با عقاید مسلمین سازگاری ندارد و می‌توان گفت از جمله اسرائیلیاتی است که به منابع اسلامی راه پیدا کرده است.

نکته شایان توجه اینکه: علامه مجلسی (ه) در بخش‌های مختلفی از کتاب شریف بحار الأنوار، به تضعیف «وهب بن منبه» پرداخت (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴/۳۷۰؛ ۵۲/۱۹۵-۲۰۱؛ ۵۸/۲۸۲). همچنین آن مرحوم در کتاب «الوجیزه» نیز وهب را فردی ضعیف شمرده است (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۴/۱۹۱).

در تفسیر مجمع البیان از امام باقر علیه السلام نقل شده است: جبرئیل علیه السلام به اذن پروردگار بر گریبان لباس مریم دمید و فرزند در رحم او بی درنگ رشد کرد و به کمال رسید، به گونه ای که جنین در درون مادر در طول نه ماه به حد رشد می رسد. پس از آن، مریم صدیقه احساس حمل نمود و خاله اش، همسر زکریا پیامبر، از وضعیت او آگاه شد و به او اعتراض کرد. مریم، از شرم و حیا، از نزد خاله خود دور شد. همچنین از امام صادق علیه السلام روایت شده که مدت حمل او تنها نه ساعت طول کشید (حسینی همدانی، ۱۳۷۵: ۱۰/۳۸۰).

در مورد این روایت، می توان گفت که روایت اشاره دارد به این که مدت بارداری حضرت مریم نه ماه یا حداقل شش ماه بوده است، اما مطابق با بسیاری از روایات دیگر، مدت بارداری او تنها نه ساعت بوده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۵/۳۶۵).

وقتی «هیرودوس» پادشاه شام از ولادت حضرت عیسی علیه السلام و ظهور معجزات او مطلع شد و در نجوم دیدند که شخصی خواهد آمد که دین آن ها را برهم می زند، تصمیم به قتل او گرفت. خداوند متعال، فرشته ای را نزد یوسف نجار - پسر عموی مریم علیه السلام و محافظ او و عیسی علیه السلام - فرستاد تا آن ها را به مصر ببرد. یوسف ایشان را به مصر برد و آن ها دوازده سال در آنجا ماندند تا پادشاه درگذشت، سپس به شام بازگشتند (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱/۳۱۲).

مریم مقدس علیه السلام مانند بسیاری دیگر از پاکدامنان، هدف تهمت کسانی قرار گرفت که ظهور عیسی پیامبر علیه السلام را مخالف منافع خود می دیدند. با این حال، سخن معجزه آسای این پیامبر بزرگ الهی در گهواره و در آغوش مریم، بزرگترین دلیل بر بی گناهی این بانوی مقدس بود. قرآن کریم نیز شایعه منتشر شده توسط یهودیان درباره ارتباط نامشروع حضرت مریم علیه السلام را تهمتی بزرگ و هم سنگ کفر قلمداد کرده است: ﴿وَبِكْفُرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا﴾ (نساء: ۱۵۶).

انمه اهل بیت علیهم السلام نیز این تهمت ناروا را تکذیب کرده و اشاره کرده اند که بسیاری از بی گناهان و پاکدامنان مورد تهمت قرار گرفته اند. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «... آیا تمام پیامبران الهی را متهم نکردند که آنان ساحر و کاهن نیستند؟! آیا مریم بنت عمران علیه السلام را متهم نکردند که رابطه او با مرد نجاری به نام یوسف منجر به بارداری او و تولد عیسی علیه السلام شده است؟! آیا پیامبر خودمان را متهم نکردند که شاعر دیوانه است؟! آیا او را متهم نکردند که به همسر فرزندخوانده اش عشق

می‌ورزد و تلاش می‌کند او را به چنگ آورد؟» (صدوق، ۱۴۰۰: ۱۰۳؛ طوسی، ۱۴۱۴: ۲۵۶).
 در نهایت، باید گفت که نه در آیات قرآن و نه در روایات پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ، هیچ شهادتی
 بر ازدواج حضرت مریم ﷺ با یوسف نجار - حتی بعد از تولد عیسی مسیح ﷺ - وجود ندارد.
نقد سوم: نادرستی ادعای ظاهر شدن حضرت مریم ﷺ بعد از رحلت پیامبر بر حضرت
 زهرا ﷺ

خانم باربارا استواسر ادعا کرده است: «پس از وفات پیامبر اسلام ﷺ، حضرت مریم ﷺ بر
 حضرت صدیقه طاهره ﷺ ظاهر می‌شد و او را تسلی می‌داد» (جین دمن مک الیف، ۱۳۹۲: ۵/
 ۱۰۲-۱۰۷). اما این ادعا با توجه به مفاد روایات معتبر نادرست است. به‌عنوان مثال، روایت
 زیر به خوبی این مسئله را روشن می‌کند:

حمّادبن عثمان نقل کرده است: به امام صادق ﷺ عرض کردم: «مصحف فاطمه چیست؟»
 امام صادق ﷺ فرمود: «پس از رحلت رسول خدا ﷺ، حضرت فاطمه ﷺ به شدت محزون و
 افسرده شد. بنابراین، خداوند فرشته‌ای به سوی او می‌فرستاد تا او را تسلی دهد، همدم او باشد و
 با او صحبت کند. حضرت فاطمه ﷺ این مطلب را برای حضرت علی ﷺ فاش کرد و حضرت
 علی ﷺ به او گفت: «هرگاه آن فرشته آمد و با تو سخن گفت، مطالب او را برای من بازگو کن».
 حضرت فاطمه ﷺ مطالب شنیده شده از فرشته را برای حضرت علی ﷺ نقل می‌کرد و او نیز آن‌ها
 را می‌نوشت و بدین ترتیب، مصحف فاطمه آماده شد». امام صادق ﷺ افزود: «مطالب این
 مصحف درباره احکام حلال و حرام نیست، بلکه شامل اخبار غیبی و آنچه که در آینده واقع
 خواهد شد، می‌باشد» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱/۲۴۰؛ روحانی علی‌آبادی، ۱۳۷۹: ۴۳/۳۷۵).

نقد چهارم: نادرستی ادعای شباهت زندگی حضرت زهرا ﷺ و حضرت مریم ﷺ از نظر
 آمیخته بودن با غم

خانم باربارا استواسر، یکی از ویژگی‌های مشترک حضرت زهرا ﷺ و حضرت مریم ﷺ را
 آمیخته بودن زندگی هر دو با غم دانسته و نوشته است: «عمیق‌ترین پیوند آن‌ها در تصویر مشترک،
 عبارت است از: آمیخته بودن زندگی‌شان با غم» (جین دمن مک الیف، ۱۳۹۲: ۵/۱۰۲-۱۰۷).
 اما این ادعا نادرست است. زندگی حضرت فاطمه ﷺ در خانواده‌اش مملو از شادی و آرامش

بود. شادی و تفریح در خانواده آن حضرت در محدوده‌ای معتدل و مطابق با اصول شرعی وجود داشت، و نه تنها از افراط در آن پرهیز می‌شد، بلکه از تفریط نیز دوری می‌شد.

حضرت فاطمه علیها السلام در کنار حضرت علی علیه السلام و فرزندانش همیشه شاد و راضی بود. در خانواده ایشان، شادی و آرامش همیشگی بود. به‌عنوان نمونه، روایت شده است که روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به خانه حضرت علی و فاطمه علیهما السلام وارد شد و آن دورا در حال خنده دید. هنگامی که پیامبر را دیدند، سکوت کردند. پیامبر به آن‌ها گفت: «چرا وقتی من را دیدید سکوت کردید؟» فاطمه علیها السلام پاسخ داد: «یا رسول الله، علی علیه السلام می‌گوید که من نزد تو محبوب‌تر از او هستم و من گفتم که تو مرا بیشتر از او دوست داری» پیامبر تبسم کرد و فرمود: «دخترم! محبت پدر از آن تو است و علی از تو عزیزتر است» (بحرانی، ۱۳۶۳: ۱۱/۶۶۷)

نقد پنجم: اشتباه بودن ادعای بخشش حوا به واسطه مریم علیها السلام

نویسنده مدخل مریم علیها السلام، مدعی شده «گفته می‌شود: «بخشش الهی نسبت به گناه حوا، معلول توسل و پناه بردن وی به حضرت مریم بوده است»؛ درحالی که مفاد روایات شیعی غیر از این است. در روایت تفسیری جمله: «فَتَلَقَى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ»، آمده: «مریم خدا را بحق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین سوگند داد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۸/۲۵۳ و ۴۷۲) مفاد این روایت در منابع حدیثی دیگر نیز آمده است (صدوق، ۱۳۳۱: ۱۲۵ و عیاشی، ۱۳۸۰: ۱/۴۱).

از طرق اهل سنت و جماعت نیز روایاتی به مضمون فوق، نقل گردیده؛ از جمله: علامه طباطبایی رحمته الله به نقل از «الدرّ المنثور» جلال الدین سیوطی چنین آورده است: «رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وقتی آدم آن گناه را مرتکب شد، سر به سوی آسمان بلند کرده گفت: از تو به حق محمد مسئلت می‌کنم، که مرا بیامری، پس خدا به او وحی کرد: که محمد کیست؟ گفت: ای خدا که نامت والا است، وقتی مرا آفریدی، سر بسوی عرش تو بلند کردم، دیدم در آنجا نوشته شده، لا اله الا الله، محمد رسول الله صلی الله علیه و آله، فهمیدم که در درگاه تو احدی عظیم‌المنزله‌تر از او نیست که نامش را با نام خود قرار داده‌ای، پس خدای تعالی وحی کرد: که ای آدم، او آخرین پیامبران از ذریه تو است، و اگر او نبود، تو را خلق نمی‌کردم (سیوطی، ۱۴۰۴: ۱/۶۰-۶۱)؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱/۲۲۴).

نقد ششم: غیر صحیح بودن تشبیه تجلی روح خداوند در باطن مریم به هدیه روح خدا به آدم همچنین نویسنده مقاله مورد نقد آورده است: «وارد شدن روح خداوند به درون مریم، یادآور هدیه روح خداوند به آدم است که از گل شکل گرفت!!»! با توجه به مفاد متون تفسیری فریقین، این ادعا نیز درست نیست؛ زیرا عیسی روحی است که از طرف خدا آفریده شد ﴿وَرُوحٌ مِّنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۱)؛ اما تعبیری که در مورد آخرین مرحله آفرینش آدم و به یک معنی آفرینش تمام بشر در قرآن آمده است ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي﴾ (حجر: ۲۹) اشاره به عظمت آن روحی است که خدا آفرید و در وجود انسان‌ها عموماً و مسیح و پیامبران خصوصاً قرار داد. گرچه بعضی خواسته‌اند از تعبیر ﴿وَرُوحٌ مِّنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۱)؛ سوء استفاده کنند و بگویند: عیسی جزئی از خداوند بود و تعبیر «منه» را گواه بر این پنداشته‌اند، ولی می‌دانیم که «من» در این گونه موارد برای تبعیض نیست، بلکه به اصطلاح «من» نشویه است که بیان سرچشمه و منشا پیدایش چیزی می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴/ ۲۲۲).

خدای متعال در قرآن عیسی بن مریم را کلمه خدا نامیده و فرموده: ﴿وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِّنْهُ﴾ (نساء: ۱۷۱) علامه طباطبایی می‌گوید: پس روح را از این رو کلمه نامیده که مانند سایر کلمات بر مراد صاحب خود دلالت می‌کند و وقتی جائز باشد روح را کلمه بنامیم پس جائز خواهد بود که آن را وحی نیز بنامیم، و اگر در آن آیه عیسی بن مریم را کلمه‌ای از خود (کلمه منه) دانسته بدین جهت بوده که پیدایش عیسی به وسیله کلمه «ایجاد» بوده بدون اینکه سبب‌های عادی که در تکون انسان دخالت دارند در او دخالت داشته و واسطه شده باشند، به شهادت اینکه خود قرآن صریحاً فرموده: ﴿إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ؛ همانا مثل خلقت عیسی از جانب خدا مثل خلقت آدم ابو البشر است که خدا او را از خاک بساخت سپس بدان خاک گفت بشری به حد کمال باش چنان گشت﴾ (آل عمران: ۵۹).

خدای سبحان برای روشن کردن و واضح نمودن حقیقت روح این را نیز فرموده: ﴿قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي﴾ و ظاهر از کلمه «من» این است که حقیقت جنس را معنا می‌کند هم چنان که این کلمه در سایر آیات وارد در این باب بیانیه است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/ ۲۷۲). کلمه «کن» که همان کلمه

ایجاد است که عبارت از خود ایجاد است و ایجاد هم عبارت است از وجود هر چیز، لیکن نه از هر جهت بلکه وجود هر چیز از جهت استنادش به خدای تعالی و اینکه وجودش قائم به ذات است، این معنای امر خدا است، و از جمله دلایلی که می‌رساند وجود اشیاء از جهت استنادش به ذات پروردگار و با قطع نظر از اسباب وجودی دیگر کلام خدا هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۲۷۴).

نتیجه‌گیری

نتایج برآمده از محتوای صفحات پیشین چنین است:

۱. آنچه خانم بارباراد استواسر در ضمن مقاله خود با مدخل «مریم» (مندرج در دائرةالمعارف قرآن لیدن هلند) در مورد حضرت مریم و مباحث پیرامونی زندگی وی مطرح نموده؛ با تکیه و اعتماد به منابع اهل سنت بوده است؛

۲. اگرچه مقاله خانم بارباراد استواسر در مورد حضرت مریم علیها السلام از نکات مثبت محدودی برخوردار است؛ ولی قضاوت‌هایش در مورد شیوه محافظت حضرت زکریا علیه السلام از مریم علیها السلام، و طرح ادعاهائی همچون: همراهی یوسف نجار با مریم علیها السلام، ظاهر شدن مریم علیها السلام پس از رحلت نبوی برای حضرت فاطمه علیها السلام، شباهت زندگی فاطمه علیها السلام با زندگی مریم علیها السلام به جهت آمیخته بودن زندگی هر دو با غم، و همانندی تجلی روح الهی در باطن مریم علیها السلام با دمیده شدن روح الهی در آخرین مرحله آفرینش آدم علیه السلام کاملاً نادرست و قابل خدشه و نقد و غیرقابل پذیرش می‌باشد.



کتابنامه

قرآن کریم (۱۴۱۸). ترجمه محمد مهدی فولادوند، چ ۳، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.

۱. ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی بن محمد (۱۳۸۵). *الکامل فی التاریخ*، چ ۱، بیروت، دار صار.

۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۲۰۰۳). *قصص الانبیاء*، چ ۱، بیروت، دار و مکتبه الهلال.

۳. آشتیانی، سید جلال الدین (۱۳۹۰). *تحقیقی در دین مسیح*، چ ۳، تهران، نگارش.

۴. بحرانی، عبدالله بن نورالله (۱۳۶۳). *عوامل العلوم*، محقق سید محمدباقر موحد ابطحی اصفهانی، چ ۱، قم، مدرسه الامام المهدی علیه السلام.

۵. جین دمن مک اولیف (۱۳۹۲). *دایرةالمعارف قرآن لیدن*، ترجمه حسن خندق آبادی، چ ۱، تهران، حکمت.

۶. حسنی رازی، سیدمرتضی بن داعی (۱۳۶۴). *تبصرة العوام*، مصحح عباس اقبال آشتیانی، چ ۲، تهران، اساطیر.

۷. حسینی همدانی، سید محمدحسین (۱۳۷۵). *انوار درخشان*، چ ۲، تهران، مسلم.

۸. رحیمی، سیده وحیده، خسروی، فائزه سادات (۱۳۹۴). «اسرائیلیات داستان حضرت مریم و حضرت عیسی در تفاسیر فریقین با تاکید بر بحار الانوار»، دو فصلنامه پژوهش های تفسیر تطبیقی، دانشگاه قم، دوره اول، شماره دوم، ص ۱۰۹-۱۳۲.

۹. روحانی علی آبادی، محمد (۱۳۷۹). *زندگانی حضرت زهرا علیها السلام* (ترجمه جلد ۴۳ بحار الانوار)، چ ۱، تهران، مهام.

۱۰. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*، چ ۳، بیروت، دار الكتاب العربی.

۱۱. زیبائی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۷). *مسحیت شناسی مقایسه ای*، چ ۴، تهران، سروش.

۱۲. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴). *الدرالمشور فی التفسیر بالمأثور*،

چ ۱، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته الله.

۱۳. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۳۸۵). *علل الشرائع*، چ ۱، قم، کتاب فروشی داوری.
۱۴. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۰). *امالی*، چ ۵، بیروت، اعلمی.
۱۵. صدوق، محمدبن علی بن بابویه (۱۴۰۳). *معانی الاخبار*، چ ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۶. طباطبائی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ ۲، لبنان، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸). *التفسیر الکبیر تفسیر القرآن العظیم*، چ ۱، اردن، دار الكتاب الثقافی.
۱۸. طبری، ابوجعفر محمدبن جریر (۱۳۵۶). *تاریخ طبری*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چ ۵، تهران، اساطیر.
۱۹. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۶۳). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۳۶۴). *تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید*، چ ۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن (۱۴۱۴). *امالی*، چ ۱، قم، دار الثقافة.
۲۲. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۴۸). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چ ۳، تهران، سبطين.
۲۳. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). *التفسیر العیاشی*، چ ۱، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۴. کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). *اصول کافی*، چ ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*، چ ۴، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۴). *حیة القلوب*، چ ۶، قم، سرور.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار*، محقق جمعی از محققان، چ ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی.

۲۸. مجلسی، محمدباقر (۱۴۲۰). *التَّوَجِيهَةُ فِي التَّرْجَالِ*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*، چ ۱۰، تهران، دارالکتب الإسلامية.